

# لزوم اصلاح خط فارسی

بقلم آقای اعتصام زاده

- ۲ -

در اینکه خط نسخ که بهترین و خوانا ترین خط معمولی نواقص الفبای ایران است خیلی معیوب و ناقص و محتاج باصلاح است فارسی کماکان نمیکنم هیچ کس تردیدی داشته باشد. این معایب را همه میشناسیم: اولاً - اشکال مختلفه حروف که جداگانه یا در ابتدا یا وسط یا آخر کلمه نوشته میشود، ثانیاً - کثرت نقطه ها ثالثاً - تشابه حروف، رابعاً - داخل نبودن اعراب در کلمات، خامساً - اتصال بعضی حروف بهم دیگر و عدم اتصال برخی از آنها.

اولاً: اشکال مختلفه حروف:

هر حرفی غالباً چهار شکل دارد مثل (ح) و (س) و (ل) و در حروف متشابه گاهی همان يك شکل میتواند شش حرف مختلف را نشان بدهد مثل: ب، پ، ت، ث، ن، ی.

تعدد اشکال حروف و شبیه بودن آنها بهم دیگر گذشته از اشکالی که برای خواننده فراهم میکند یکی از علل عمده گرانی کتب و جرائد فارسی است. - چرا؟ - چونکه برای طبع يك روز نامه مثلاً با حروف آلمانی یا لاتینی بیش از چهل شکل مختلف لازم نیست، ولیکن برای چیدن يك جریده فارسی یا عربی یا ترکی متجاوز از هفتصد شکل ضرورت دارد. نتیجه این میشود که مطابع ایرانی باید عوض یکمَن حروف سربی باژده من حروف بخرند و بواسطه صعوبت چیدن حروف فارسی حروفچین های متخصص و تر دست پیدا کنند. آنوقت برای يك روز نامه فارسی ولو تماماً با حروف ریز (نمره ۱۲) چیده شده باشد باز هم بقدر يك جریده فرانسوی یا آلمانی مطلب ندارد زیرا اگر نخواهیم

حروف بسیار ریزی را که در اروپا برای قسم اعظم مقالات و اخبار و اعلانات جرائد استعمال میکنند در جرائد فارسی معمول نداریم حروفچین از چیدن و مصحح از تصحیح و قارئین از خواندن آن روز نامه عاجز خواهند بود .

### ثانیاً ، نقطه های حروف :

این مصرع گویا از سلمان ساوجی باشد :

#### بخت تختی تخت بخشیش بین

در این مصرع يك صنعت شعری بخرج داده شده زیرا تمام حروف منقوط هستند . ولی اگر نقطه ها را بر چینیم تصور نمیکم يك نفر ایرانی فاضل هم بتواند این چند کلمه را بیغلط بخواند تا چه رسد بيك نفر شاگرد مدرسه یا یکنفر اروپائی !

### ثالثاً ، عدم اتصال حروف :

مثل (د) و (ز) و (ژ) .

از قوامی گنجوی است :

زارو زردم ز درد دوری او ،

درد دل دار ، زرد دارد وزار .

این دو سه نقطه را هم که روی ( ز ) هست بر دارید ، اگر کسی توانست این بیت را بخواند بنده از عقیده خود راجع بلزوم تغییر الفباء صرف نظر میکنم !

بر عکس ممکن است مصرع قبل : ( بخت تختی تخت بخشیش بین

بین ) را طوری بنویسیم که تمام حروف بهم پیوندند :

بختختتختختبخشیشیشین (!!!)

این هم یکی از صنایع شعری است ولی خواندن مطلب بکلی محال میشود .

حالا فرض کنیم یک نفر اروپائی دو کلمه « قربات شوم » را برای اولین دفعه دیده و میخواهد در قاموس یا « دیکسیونر » خود معنی آنرا پیدا کند . اول طبعاً ( قر ) را جستجو خواهد کرد که آن هم معلوم نیست ( قر ) است یا ( قُر ) یا ( قَر )! می بیند نیست . میرود دنبال ( قربا ) - آنها هم نشد - آنوقت ( قربانت ) را میجوید و پیدا نمیکند - ( قربانت شوم ) هم که بطریق اولی یافتن نخواهد شد! پس بایستی ( قربانت ) طوری نوشته شود که حروف در عین سوا بودن از یکدیگر رابطه کوچکی داشته باشند تا معلوم شود که کلمه کجا شروع و کجا تمام میشود .

اما راجع باعراب چیزی عرض نمیکنم . زیرا خود ما اگر يك کلمه را برای اولین دفعه در کتابی به بینیم محال است تلفظ صحیح آن را حدس بزنیم ، چند نیست که بعضی کلمات خارجی در زبان فارسی معمول شده است و احتیاجات زمان حاضر دخول عدّه دیگری از این لغات را متدرجاً ایجاب خواهد کرد . بواسطه نواقصی که در الفبای نسخ هست ما از تلفظ و تحریر این کلمات جدید الورد عاجز هستیم . اینست که ( هتل ) را با ضم تا تلفظ میکنند و ( انتریگ ) را ( آنتریگ ) مینویسند و ( اوتوموبیل ) اصلاً معلوم نیست بچه املائی باید نوشته شود .

رو-رو هم رفته خط نسخ شبیه بخط چینی است و در واقع انسان باید شکل کلمات را بذهن بسپارد نه شکل حروف را . وقتی کلمه ( حسن ) را می بیند باید تلفظ آنرا از کسی بشنود و حفظ کند . بعد اگر کلمه ( حُسن ) را دید طبعاً حُسن خواهد خواند . ولی در زبان چینی دیگر این عیب نیست و بك کلمه بچندین قسم خوانده نمیشود .

مثلاً کلمه ( خیر ) با تغییر و تبدیل نقطه ها اقلأً بده قسم خوانده

میشود و معنی دارد تا چه رسد باشکالی که مهمل و بیمعنی است و تعیین آن محتاج بحل يك مسئله ریاضی خواهد بود!

\*\*\*

در خاتمه عرض میکنم: یکی از علل جهالت ملت ایران دشواری الفباء است. طفل عوض اینکه در ظرف پنج ساعت خط و املا را بلد شده بزودی مشغول یاد گرفتن چیز های مفید دیگر بشود باید ساها زحمت بکشد و بالاخره شاید تا آخر عمر املاي صحیح تمام کلمات را نداند!

نکته دیگری که میخواهم عرض کنم اینست که اگر امروز ما خط نسخ را اصلاح نکرده مصریان و ترکها را بقبول الفبای جدید و اداری نکنیم، فردا ترکها و مصری ها الفبای جدید اختراع کرده و ما را مجبور بقبول آن خواهند نمود. پس چه عیب دارد که اقتضای اختراع خط جدید مانند اختراع ایجاد بستخانه برای ایران بماند؟

نکته سوم و مهمی که میخواهم عرض کنم اینست که زبان يك ملت روح آن ملت است. ملل استعمار طلب هر جا میخواهند بروند اول زبان خود را میفرستند. امروز همه میدانیم که بواسطه دو پرو باکند مختلف آذربایجان و خوزستان در خطر هستند. باید سعی کنیم که روح ایرانیت در این دو ایالت حلول نماید و آنها را از خطر نجات دهد. این کار ممکن نیست مگر در زیر سایه تسهیل خط. امروز نه تنها باید در آذربایجان و خوزستان و کردستان و غیره زبان فارسی را رواج داد بلکه باید دولت ایران در قفقاز و بین النهرین و افغانستان و ترکستان مدارس ایرانی باز کند و در مقابل پرو باکند های معلوم پرو باکند مخالفی بکند. پس تصور نمیکند که کسی منکر لزوم اصلاح خط باشد حالا این تغییر و اصلاح بچه طریق و منوالی خواهد بود، این مسئله را البته باید فضیای قوم حل نمایند.